انتشارات حاذق

بقلم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی

انیس الطالبین

«ترجمه آداب المتعلمین»

بسم الله الرحمن الرحیم

انیس الطالبین [ترجمه آداب المتعلمین]

نویسنده:

سید جواد ذهنی تهرانی

ناشر چاپی:

حاذق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انیس الطالبین [ترجمه آداب المتعلمین]

مشخصات کتاب

سرشناسه:نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، ۵۹۷ -۶۷۲ق.

عنوان قراردادی:آداب المتعلمین

عنوان و نام پدیدآور:انیس الطالبین [نصرالدین طوسی]/ ترجمه آداب المتعلمین؛ بقلم محمدجواد ذهنی تهرانی.

مشخصات نشر:قم: حاذق، ۱۳۷۰.

مشخصات ظاهری:۵۶ص.

شابک:۲۵۰ریال.

عنوان دیگر:آداب المتعلمین

موضوع:اسلام و آموزش و پرورش

موضوع:اخلاق اسلامی

شناسه افزوده:ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۲۶ - ۱۳۸۱.، مترجم

رده بندی کنگره:BP۲۵۴/۴/ن ۶آ۴۰۴۱ ۱۳۷۰

رده بندی دیویی:۲۹۷/۶۵۳

شماره کتابشناسی ملی:م ۷۱-۲۰۴۲

ص :۱

اشاره

مقدمه

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

متن:

كتاب آداب المتعلّمين

احمد للّه على آلائه و نشكره على نعمائه و الصّلوه و السّلام على

سيّد انبيائه و خير اوصيائه.

و بعد: فكثير من طلّاب العلم لا يتيسّر لهم التّحصيل و ان اجتهدوا و

لا ينتفعوا عن ثمراته و ان اشتغلوا، لانّهم اخطأوا طريقه و تركوا شرائطه و كلّ من

اخطاء الطّريق ضلّ، فلا ينال المقصود اردت ان ابيّن طريق التّعلّم على سبيل

الاختصار على ما رايت فى الكتاب و سمعت من اساتيدى اولى العلم و اللّه الموفّق و

المعين، فابيّن المقصود فى فصول شتّى.

ترجمه:

حقتعالى را در مقابل نعمت هايش مى ستايم، و بر عطايايش شكر مينمايم،

و درود قلبى و تحيّت زبانى بر سرور پيامبران و بهترين جانشينان.

و بعد از گذاردن شكر و ستايش حضرت سبحان و اداء احترام به ساحت قدس

نبوى صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و سرور اوصياء يعنى وجود مقدّس حضرت علوى سلام

اللّه القدسى عليه چنين نگاشته

می شود:

بسیاری از طالبین و مایلین به دانش اگرچه کوشش نموده ولی تحصیل علم

برایشان میسور نشده و از منافع و آثار آن بهره ای نبرده اگرچه خود را بآن سرگرم و

مشغول مینمایند و جهتش آنستکه راه آنرا بخطاء و اشتباه رفته و شرائطش را

واگذارده اند و معلوم است هرکس راه را اشتباه برود گم خواهد شد و در نتیجه بمقصود

نخواهد رسید.

ازاینرو تصمیم گرفتم در این رساله و وجیزه بطور اختصار راه تعلّم و

فراگرفتن دانش را بآن نحو که در کتاب دیده و از اساتید صاحبان علمم شنیده ام بیان

کنم و از خداوند متعال توفیق و کمک میخواهم.

مقصود و مطلوب را در چند فصل بیان مینمائیم.

کتاب آداب المتعلمین

فصل اول: حقیقت و فضیلت علم

اشاره

متن:

الفصل الاوّل فی ماهیّه العلم و فضله

اعلم انّه قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله:

طلب العلم فریضه علی کلّ مسلم و مسلمه.

و المراد من العلم هنا علم الحال ای العلم المحتاج الیه فی الحال

الموصل الی النّفع فی المال کما یقال:

افضل العلم علم الحال و افضل العمل حفظ المال، فیفرض علی الطّالب ما

یصلح حاله.

و شرف العلم لا یخفی علی احد، اذ العلم هو مختصّ بالانسان، لانّ جمیع

الخصال سوی العلم یشترک فیها الانسان و سایر الحیوانات کالشّجاعه و القوّه و

الشّفقّه و غیر ذلک و به اظهر اللّه فضل آدم علی الملائکه و امرهم بالسّجود له.

ترجمه:

فصل اوّل: حقیقت و فضیلت علم

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

خواستن و بدنبال دانش رفتن بر هرمرد و زن مسلمانی وظیفه و تکلیف است.

مقصود از علم در این حدیث شریف علم حال یعنی علمی که راجع به حال و

چگونگی است که شخص را در مال ومنال نفع برساند چنانچه گفته اند:

برترین دانش ها علم حال بوده و بالاترین عملها حفاظت مال و دارائی

است، پس بر طالب لازم است چیزی را داشته باشد که حالش را اصلاح نماید.

و شرافت و فضیلت دانش بر کسی مخفی نیست زیرا علم اختصاص بانسان دارد

بخلاف صفات و فضائل دیگر چه آنکه تمام خصلت ها باستثنای علم انسان و جمیع حیوانات

در آن با هم مشترک میباشند نظیر:

شجاعت، نیرو، شفقّت و دیگر خصال حمیده.

خداوند متعال بواسطه علم فضل و برتری آدم بر ملائکه را آشکار و اظهار

نمود و ایشان را بسجده بوی مأمور ساخت.

متن:

و ایضا هو وسیله الی السّعاده الابدیّه ان وقع العمل علی مقتضاه،

فالعلم الّذیّ یفرض علی المکلّف بعینه یجب تحصیله و یجبر علیه ان لم یحصل و الّذیّ

یکون الاحتیاج به فی الاحیان فرض علی سبیل الکفایه و اذا قام به البعض سقط عن

الباقی و ان لم یکن فی البلد من یقوم به اشترکوا جمیعا فی تحصیله بالوجوب.

ترجمه:

و نیز علم و دانش وسیله است برای سعادت و رستگاری همیشگی مشروط

باینکه بر طبق و اقتضایش عمل گردد،

کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

پس علمی که بر مکلّف فرض و تکلیف قرار داده شده و از جمله واجبات

عینیّه شمرده شده تحصیلش لازم و واجب بوده و در صورتیکه وی به تحصیل آن همّت

نگمارد بر آن اجبار و الزامش میکنند و علمی که احیانا بآن احتیاج و نیاز پیدا

میشود بنحو لزوم کفائی در حقّ مکلّفین جعل شده بطوریکه اگر برخی از ایشان بآن قیام

کنند از دیگران ساقط میگردد و اگر در شهر کسیکه بآن قیام کند وجود نداشته باشد

تمام بتحصیل و فراگرفتنش موظّفند.

متن:

و قیل:

بانّ علم ما ینفع علی نفسه فی جمیع الاحوال بمنزله الطّعام لا بدّ

لکلّ احد من ذلک و علم ما ینفع فی الاحانین بمنزله الدّواء یحتاج الیه فی بعض

الاوقات و علم النّجوم بمنزله المرض فتعلّمه حرام لانّه یضرّ و لا ینفع الّا قدر

ما یعرف به القبله و اوقات الصّلوه و غیر ذلک، فانّه لیس بحرام.

ترجمه:

کلام برخی در خاصیّت بعضی از علوم

برخی از ارباب دانش فرموده اند:

علمی که در تمام احوال و ازمان نافع است همچون طعام بوده که احدی

بی نیاز از آن نمیباشد و دانشی که نفعش در برخی از اوقات است مانند دواء بوده که

در پاره ای از احیان مورد احتیاج میباشد و علم نجوم و اخترشناسی بمنزله درد و مرض

است ازاینرو فراگرفتنش حرام میباشد چه آنکه مضرّ بوده و نافع نیست مگر مقداری که

تفسیر علم

بواسطه اش قبله نماز را بتوان معیّن نمود و اوقات صلوه را تشخیص داد

و غیر ایندو از احکام دیگر همچون تعیین آجال و اوقات که پاره ای از امور همچون

انقضاء عدّه زنان و تعیین اجل دیون بآن موقوف میباشد که اینمقدار از تعلّم حرام

نیست.

متن:

فامّا تفسیر العلم:

فانّه صفه ینجلی بها لمن قامت هی به المذکور فینبغی للطّالب ان لا

یغفل عن نفسه و ما ینفعها و ما یضرّها فی اوّلها و آخرها فیستجلب بما ینفعها و

یتجنّب عمّا یضرّها لئلّا یکون عقله و علمه حجّه علیه فیزداد عقوبه.

ترجمه:

تفسیر علم

و امّا تفسیر علم پس آن صفتی است که بواسطه اش برای کسیکه این صفت

بوی قائم است آنچه ذکر شد کشف و ظاهر میشود لذا برای طالب دانش شایسته است که از

نفس خویش و آنچه بنفع یا احیانا مضرّ بحالش است چه در بدو امر و چه در انتها و

مراحل آخر از آن غفلت نورزد پس سعی و همّتش بر آن باشد آنچه بنفع نفس و روحش

میباشد جلب نموده و از کلّیّه اموری که برای نفسش مضرّ است اجتناب و دوری کند تا

عقل و علمش بر او حجّت نبوده و بدین وسیله عقاب و عذابش زیاد گردد.

فصل دوم: در بیان نیت

متن:

الفصل الثّانی فی النّیّه

لا بدّ لطالب العلم من النّیّه فی تعلّم العلم، اذ النّیّه هو الاصل

فی جمیع الاحوال لقوله تعالی:

انّما الاعمال بالنّیّات.

و لقوله صلّی اللّه علیه و آله:

لکلّ امرئ مانوی.

فینبغی ان ینوی المتعلّم بطلب العلم رضاء اللّه تعالی و ازاله الجهل

عن نفسه و عن سائر الجهّال و ابقاء الاسلام و احیاء الدّین بالامر بالمعروف و

النّهی عن المنکر من نفسه و من متعلّقاته و من الغیر بقدر الامکان فینبغی لطالب

العلم ان یصیر فی المشاقّ و یجتهد بقدر الوسع، فلا یصرف عمره فی الدّنیا الحقیره

الفانیه و لا یذلّ نفسه بالطّمع و یجتنب عن الحقد و یحترز عن التّکبّر.

ترجمه:

فصل دوّم: در بیان نیّت

قطعا و مسلّما طالب علم در مقام تعلّم می باید دارای نیّت

باشد زیرا نیّت اصل در تمام احوال و حالات میباشد بدلیل فرموده

حقتعالی که فرموده:

انّما الاعمال بالنّیات.

(صرفا اعمال بواسطه نیّت تحقّق می پذیرند).

و کلام درربار حضرت نبویّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که چنین نقل

شده:

لکلّ امرئ مانوی.

(برای شخص است آنچه را که نیّت میکند).

پس شایسته است که طالب دانش و خواهان علم در طیّ تحصیلش خشنودی

حقتعالی را در نظر داشته و همّتش برطرف کردن جهل و نادانی از خود و دیگر نادانان

بوده و قصدش ابقاء اسلام و احیاء دین بواسطه وادار کردن خود و وابستگان و دیگران

را باعمال حسنه و بازداشتن از افعال قبیحه و زشت بوده و تا حدّ امکان در این راه

بکوشد.

بنابراین شایسته است طالب علم خود را در مشاقّ و زحمات طاقت فرسا

قرار داده و بمقداری که قدرت دارد در این زمینه پای فشرده و استقامت نماید، عمر

گرانمایه را در تحصیل دنیای پست و زودگذر صرف نکرده و ابدا نفس خویش را بواسطه طمع

و چشم داشت به حطام و سرمایه دنیوی ذلیل نکند، از کینه ورزی و تکبّر خودداری و

اجتناب کند.

فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

اشاره

متن:

الفصل الثّالث فی اختیار العلم و الاستاد و الشّریک و الثّبات

ینبغی لطالب العلم ان یختار من کلّ علم احسنه و مایحتاج الیه فی

الامور الدّینیّه فی الحال ثمّ مایحتاج الیه بالمال و یقدّم علم التّوحید و معرفه

اللّه تعالی بالدّلیل و یختار العتیق دون المحدثات.

قالوا: علیکم بالعتیق دون المحدثات.

و یختار المتون کما قیل:

علیکم بالمتون لا بالحواشی.

ترجمه:

فصل سوّم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

سزاوار و شایسته است که طالب علم از هردانشی احسن و نیکوترش را

برگزیده و آنچه در حال نسبت بامور دینی مورد نیازش است انتخاب کرده و پس از آن

علمی را که نیازمندیهای مالی او را جوابگو باشد اختیار کند جای دارد که طالب دانش،

علم توحید و

در بیان انتخاب استاد

خداشناسی را با احاطه بر دلیل بر تمام علوم مقدّم کند و نیز علوم

قدیمه را بر جدیده ترجیح داده و بفراگرفتن آنها کمتر همّت ببندد چه آنکه بزرگان

گفته اند:

بر شما باد به علوم قدیمه نه جدیده.

و حتّی الامکان به متون پرداخته و از حواشی بپرهیزد چنانچه گفته شده:

بر شما باد بمتون علوم نه حواشی آنها.

متن:

و امّا الاستاد:

فینبغی ان یختار الا علم و الا ورع و الا سنّ.

و ینبغی ان یشاور فی طلب العلم ایّ علم یراد فی المشی الی تحصیله،

فاذا دخل المتعلّم الی بلد یرید ان یتعلّم فیه فلیکن ان لا یعجّل فی الاختلاف مع

العلماء و ان یصبر شهرین حتّی کان اختیاره للاستاد و لم یؤدّ الی ترکه و الرّجوع

الی الآخر، فلا یبارک له فینبغی ان یثبت و یصبر علی استاد و کتاب حتّی لا یترکه

ابتر و علی فنّ لا یشتغل بفنّ آخر قبل ان یصیر ماهرا فیه و علی بلد حتّی لا ینقل

الی بلد آخر من غیر ضروره، فانّ ذلک کلّه یفرّق الامور المقرّبه الی التّحصیل و

یشغل القلب و یضیّع الاوقات.

ترجمه:

در بیان انتخاب استاد

بر طالب علم سزاوار است استادی را که از دیگران علم و تقوی و سنّش

بیشتر است اختیار کند.

و نیز در طلب و اختیار آن که چه علمی را تحصیل نماید با

ص : ۱۴

اهل مشورت صلاح دید نماید.

و وقتی متعلّم به شهری که قصد آموختن و فراگرفتن علم را دارد وارد شد وظیفه اش اینستکه در حشر و نشر با علماء و مراوده با ایشان عجله نکرده بلکه بمدّت دو ماه صبر کند تا استاد مطلوب و جامع شرائط را پیدا نموده و تعجیلش منجر به ترک چنین استادی و رجوع بدیگری نگردد چه آنکه اگر در انتخاب معلّم طریق شتاب را طیّ کند و باندک زمانی که نزد شخص حاضر شد وی را رها کرده و بسراغ دیگری رود این امر برایش میمون و مبارک نبوده و اثر سوئی بدنبال دارد ازاینرو می باید نزد استادی که حاضر شد خدمتش صبر نموده و کتابی را که در محضرش قرائت مینماید به پایان رسانده تا ناقص نماند و وقتی به فراگرفتن فنّی اشتغال ورزید پیش از آنکه در آن ماهر شود خود را سرگرم به صنعت و فنّ دیگر ننماید و زمانی که به شهری وارد شد و رحل اقامت در آن افکند بدون اینکه ضرورت و نیازی پیش بیاید از آنجا به شهر دیگر کوچ نکند چه آنکه ارتکاب این خلاف ها اموری را که سبب تسهیل امر تحصیل و مقرّب آن میباشند پراکنده نموده و دل و قلب را به غیر دانش و تحصیل آن مشغول نموده و سبب تضییع اوقات میگردد.

متن:

و امّا اختیار الشّریک:

فینبغی ان یختار المجدّ و الا ورع و صاحب الطّبع المستقیم و یحترز من الکسلان و المعطّل و مکثار الکلام و المفسد و الفتّان.

قیل فی الحکمه الفارسیّه:

در بیان اختیار هم بحث

نظم

تا توانی میگریز از یار بد

یار

بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار

بد بر جان و هم ایمان زند

و قیل:

فاعتبر الارض باسمائها

و

اعتبر الصّاحب بالصّاحب

ترجمه:

در بیان اختیار هم بحث

بر طالب علم سزاوار است در بحث کسی را شریک خود قرار دهد که ساعی در

تحصیل علم بوده و از دیگران باتقوی تر و دارای طبع و سلیقه ای مستقیم باشد، از

اشخاص کسل و تنبل و کثیر الکلام و اهل فتنه و فساد بپرهیزد چنانچه در حکمت فارسی

آمده است:

شعر

تا توانی میگریز از یار بد

یار

بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار

بد بر جان و هم ایمان زند

یعنی: تا میتوانی از رفیق نامناسب و بد اجتناب کن زیرا چنین رفیقی از

مار زننده بدتر است زیرا مار فقط بر بدن انسان زده و او را هلاك میکند ولی رفیق بد

هم شخص را هلاك کرده و هم ایمان را می برد.

و درهمین باره گفته شده:

فاعتبر الارض باسمائها

و

اعتبر الصّاحب بالصّاحب

ص : ۱۶

یعنی: زمین را بواسطه نشانه ها و علائمش از قبیل کوهها و تپّه ها و

آب ها بشناس و شخص را نیز بوسیله صاحب و رفیقش اعتبار نما.

متن:

و ینبغی ان تعظم العلم و اهله بالقلب غایه التّعظیم.

قیل: الحرمه خیر من الطّاعه.

حتّی لم یؤخذ الکتاب و لم یطالع و لم یقرء الدّرس الّا مع الطّهاره.

و ینبغی ان یجود کتابه الکتاب و لا یقرمط و یترک الحاشیه الّا عند

الضّروره، لانّه ان عاش ندم و ان مات شتم.

و ینبغی ان یستمع العلم بالتّعظیم و الحرمه لا بالاستهزاء و لا یختار

نوع العلم بنفسه بل یفوّض امره الی استاده لانّ الاستاد قد حصل له التّجارب فی ذلک

عند التّحصیل و قد عرف ما ینبغی لکلّ احد و ما یلیق بطبیعته و ینبغی لطالب العلم

ان لا یجلس قریبا من الاستاد عند السّبق بغیر الضّروره بل ینبغی ان یکون بینه و

بین الاستاد قدر قوس لانّه اقرب الی التّعظیم.

و ینبغی لطالب العلم ان یحترز عن الاخلاق الذّمیمه، فانّها کلاب معنویّه.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم:

لا یدخل الملئکه بیتا فیه کلب او صوره کلب.

ترجمه:

پاره ای از وظائف طالب علم

بر طالب علم سزاوار است که علم و اهل آن را قلبا احترام و کمال تعظیم

را در حقّشان رعایت کند.

ص : ۱۷

در این باره گفته شده:

احترام از اطاعت و بردن فرمان بهتر میباشد.

حتّی هیچگاه برداشتن کتاب و مطالعه آن و خواندن درس را بدون طهارت انجام ندهد.

نوشته ای را که می نگارد سعی کند که زیبا بوده و سطور و کلمات را زیاد نزدیک بهم ننویسد از حاشیه نویسی حذر کند مگر در وقت ضرورت و احتیاج زیرا اگر بماند و در آینده بآنها نظر کند پشیمان شده و اگر فوت شود دیگران بوی ناسزا گویند زیرا بسا حواشی اشتباه بوده یا بسیار سطحی و قابل درج کردن نمیباشد.

سزاوار است علم با تعظیم و احترام شنیده شود نه با استهزاء و سخریّه و

نیز شایسته است خود نوع علم را اختیار نکرده بلکه در انتخاب آن باستاد مراجعه کند زیرا استاد در این باره تجاربی را در وقت تحصیلش بدست آورده و علمی را که سزاوار هرکس باشد احراز نموده و دانشی را که لایق به طبیعت اشخاص باشد میداند چیست و

شایسته است طالب علم نزدیک استاد ننشیند مگر حاجت و ضرورتی اقتضاء آنرا بنماید بلکه جا دارد بین وی و استاد بمقدار یک کمان فاصله شود چه آنکه این امر به تعظیم استاد اقرب و نزدیکتر است.

بر طالب علم سزاوار است از اخلاق زشت و ناپسند احتراز کند چه آنکه اخلاق بد در معنا سگهائی هستند که شخص با آنها محشور است.

پیامبر بزرگ اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

در خانه ای که سگ یا صورت آن نصب شده باشد ملائک داخل نمیشوند.

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

متن:

الفصل الرّابع: فی الجدّ و المواظبه و الملازمه

ثمّ لا بدّ لطالب العلم من الجدّ و المواظبه و الملازمه.

قیل:

من طلب شیئا و جدّ وجد و من قرع بابا و لجّ ولج.

و قیل:

بقدر ما یسعی ینال ما یتمنّی.

قیل:

یحتاج فی التّعلّم الی جدّ الثّلاثه: المتعلّم و الاستاد و الاب

انکان فی الحیوه.

و لا بدّ لطالب العلم من المواظبه علی الدّرس و التّکرار فی اوّل

اللّیل و آخره و مابین العشائین و وقت السّحر و وقت مبارک.

قیل:

من اسهر نفسه باللّیل فقد فرح قلبه بالنّهار و یغتنم ایّام الحداثه و

عنفوان الشّباب و لا یجتهد نفسه جهدا یضعف النّفس و

ینقطع عن العمل، بل یستعمل الرّفق فی ذلک.

و الرّفق فی ذلک اصل عظیم فی جمیع الاشیاء.

ترجمه:

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

بر طالب علم لازمست در راه تحصیل علم سعی و کوشش کرده و بر بدست آوردنش مواظبت جمیل نموده و با هرچه سبب رسیدن بآن است ملازم و همراه باشد لذا در این باره چنین گفته شده:

کسیکه چیزی را طلب کند و برای تحصیلش جدّ و جهد نماید آنرا می یابد و کسیکه دربی را بکوبد و از خود اصرار نشان دهد بالاخره درب باز شده و وی بدرون داخل میشود.

و نیز گفته شده:

بمقداری که شخص سعی و کوشش کند بآرزو و آنچه تمنّا دارد میرسد.

و همچنین گفته شده:

در تعلّم و فراگرفتن علم به سعی و کوشش سه نفر نیاز است:

۱- طالب علم و فراگیرنده آن.

۲- استاد.

۳- پدر در صورتیکه در حیات باشد.

طالب علم باید بر درس و تکرار آن در ابتداء و انتهای شب و بین مغرب و عشاء و وقت سحر و زمانیکه مبارک است مواظبت داشته

باشد. در این باره گفته شده:

کسیکه در شب بیداری بکشد در روز قلبش شاد میباشد، طالب علم باید

ایّام نوجوانی و شباب را غنیمت شمارد، خود را بمشقّتی که نفسش را ضعیف و از انجام

اعمال وی را بازدارد نیاندازد بلکه در این راه طریق مرافقت را به پیماید چه آنکه

مدارا و مرافقت اصل عظیمی است در جمیع اشیاء.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من الهمّه العالیه فی العلم، فانّ المرء یطیر

بهمّته کالطّیر یطیر بجناحیه، فلا بدّ ان یکون همّته علی حفظ جمیع الکتب حتّی یحصل

البعض.

فامّا اذا کان له همّه عالیه و لم یکن له جدّ او کان له جدّ و لم یکن

له همّه عالیه لا یحصل له الّا قلیلا من العلم و ینبغی ان یتعّب نفسه علی الجدّ و

التّحصیل و المواظبه بالتّأمّل فی فضائل العلوم و دقایقها، فانّ العلم یبقی و غیره

یفنی، فانّه حیوه ابدیّه.

ترجمه:

طالب علم شایسته است که در تحصیل علم همّتی عالی و بلند داشته باشد

چه آنکه شخص همچون پرنده ای که با دو بالش پرواز میکند با همّت خود میتواند طیران

نماید، ازاینرو می باید همّتش بر حفظ تمام کتب بوده تا بر بعض آن نائل آید.

و امّا وقتی همّتی عالی داشت ولی جدّ و جهد ننمود یا جدّ و جهد داشت

و فاقد همّتی عالی بود از علم قلیلی را تحصیل میکند و از دانش نفع کثیری نمی برد.

سزاوار است نفس خود را در سعی و تحصیل و مواظبت بر آن بواسطه دقّت در

فضائل علوم و نکات برجسته و باریک آنها به مشقّت و تعب بیاندازد و این رنج و مشقّت

بجا و ارزشمند است چه آنکه علم

ص : ۲۱

باقی مانده و غیر آن فانی میشود زیرا علم زندگانی جاودانی است.

متن:

قیل:

العالمون احیاء و ان ماتوا.

و کفی بلذّه العلم داعیا الی التّحصیل للعاقل و قد یتولّد الکسل من

کثره البلغم و الرّطوبات.

و طریق تقلیله، تقلیل الطّعام و ذلک، لانّ النّسیان من کثره البلغم و

کثره البلغم من کثره شرب الماء و کثره شرب الماء من کثره الاکل و الخبز الیابس

یقطع البلغم و الرّطوبه و کذا اکل الزّبیب.

و لا یکثر الاکل منه حتّی لا یحتاج الی شرب الماء، فیزید البلغم.

ترجمه:

گفته شده:

دانشمندان زنده اند اگرچه بحسب ظاهر از دنیا رخت بربسته باشند.

و لذّت علم و دانش خود کافی است که عاقل را بتحصیل آن دعوت نماید.

و گاه باشد که کسالت و خمودگی از کثرت بلغم و ازدیاد رطوبات متولّد

شود و راه کاهش دادن آن کم خوردن است زیرا فراموشی از بلغم زیادی پدید آمده و

زیادی بلغم از کثرت شرب آب بوجود می آید و زیاد نوشیدن آب از پرخوری حاصل میشود و

نان خشک بلغم و رطوبت را از بدن قطع و ریشه کن مینماید چنانچه خوردن کشمش نیز واجد

همین خصوصیّت است.

لازم بتذکّر است خوردن زیاد کشمش را نیز ترک کند تا احتیاج به نوشیدن

آب زیاد نشده و در نتیجه بلغم زیاد گردد.

ص : ۲۲

متن:

و السّواک یقلّل البلغم و یزید فی الحفظ و الفصاحه.

و کذا القئ یقلّل البلغم و الرّطوبات و طریق تقلیل الاکل التّأمّل فی

منافع قلّه الاکل و هی الصّحّه و العفّه و غیرهما و التّأمّل فی مضارّ کثره الاکل

و هی الامراض و کلاله الطبع.

و قیل:

البطنه تذهب الفطنه.

و ینبغی ان لا یأکل الاطعمه الدّسمه و یقدّم فی الاکل الالطف و

الاشهی و ان لا یسعی فی الاکل و النّوم الّا لغرض الطّاعات کالصّلوه و الصّوم و

غیرهما.

ترجمه:

و مسواک نمودن موجب کم شدن بلغم و زیادی حافظه و پیدا شدن فصاحت

میگردد و نیز قئ کردن و استفراغ نمودن بلغم و رطوبات بدن را کم میکند.

و طریق کاهش دادن خوردن اینستکه شخص در منافع آن از قبیل صحّت و

تندرستی و عفّت نفس بیاندیشد و از طرفی در مضارّ و مفاسد پرخوری که امراض و

بیماریهای ناشی از آن و وامانده گی طبع و غیر متعادل شدن آن است تأمّل نماید.

گفته اند:

پرخوری و شکم پرستی زیرکی و فطانت را از بین میبرد.

شایسته است اغذیه چرب نخورند، در وقت تناول ابتداء غذاهای نرم و لذیذ

را بخورند به خوردن غذا و خوابیدن روی نیاورده مگر بمنظور پیدا شدن قوّه و نشاط

جهت طاعات همچون نماز و روزه و غیر ایندو.

ص : ۲۳

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن

اشاره

متن:

الفصل الخامس فی بدایه السّبق و قدره و ترتیبه

ینبغی ان یکون بدایه السّبق یوم الاربعاء کما قال رسول اللّه صلّی

اللّه علیه و آله:

ما من شییٔ بدء یوم الاربعاء الّا و قد تمّ و کلّ عمل من اعمال الخیر

لا بدّ ان یوقع یوم الاربعاء و ذلک لانّ یوم الاربعاء یوم خلق اللّه فیه النّور و

هو یوم نحس فی حقّ الکفّار، فیکون مبارکا.

و امّا قدر السّبق فی الابتداء:

فینبغی ان یکون قدر السّبق للمبتدء بقدر ما یمکن بالاعاده مرّتین

بالرّفق و التّدریج.

فامّا اذا طال السّبق فی الابتداء و احتاج الی الاعاده عشر مرّات فهو

فی الانتهاء ایضا کذلک لانّه یعتاده کذلک و لا یترک تلک الاعاده بجهد کثیر.

و قد قیل:

الدّرس حرف و التّکرار الف.

ص : ۲۴

مقدار ابتداء شروع به درس

ترجمه:

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن

شایسته است که ابتداء شروع به درس را روز چهارشنبه قرار دهند چنانچه

حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

هیچ چیزی در روز چهارشنبه شروع نشده مگر آنکه باتمام میرسد و هرعملی از

اعمال خیر لازم است در روز چهارشنبه واقع شود زیرا در این روز حقتعالی نور را

بیافرید و این روزی است که در حقّ کفّار نحس بوده بنابراین برای مؤمنین روز میمون

و مبارکی است.

مقدار ابتداء شروع به درس

و امّا مقدار شروع به درس در روز اوّل سزاوار است باندازه ای باشد که

شخص بتواند به تأنّی و آرامی آنرا دو بار اعاده کند یعنی به دو مرتبه مطالعه درس

را بخوبی یاد گیرد.

و امّا اگر بقدری درس طولانی باشد که با دو مرتبه مطالعه و یکبار

تکرار نتواند آنرا یاد گرفته بلکه به ده بار نیازمند باشد پس در پایان نیز چنین

بوده و هرمطلبی را می باید ده بار تکرار کند تا بیادش بماند چون وقتی در ابتداء

شروع اینطور نمود عادتش بر آن مستقرّ میگردد.

شایسته نیست که شخص طالب علم تکرار و اعاده درس را واگذارد بلکه در

این راه سزاوار است رنج و مشقّت بسیار متحمّل گردد و دروس خود را تکرار کند چه

آنکه گفته شده:

درس یک حرف بوده و تکرارش هزار حرف میباشد.

ص : ۲۵

ترتیب قرائت دروس

متن:

و ينبغى ان يبتدى بشيئ يكون اقرب الى فهمه و الاساتيد كانوا يختارون

للمبتدى صغارات المتون اقرب الى الفهم و الضّبط، فينبغى ان يعيد السّبق بعد الضّبط

و الاعاده كثيرا و لا يكتب المتعلّم شيئا لا يفهمه، فانّه يورث كلاله الطّبع و

تذهب الفطنه و يضيع الاوقات.

و ينبغى ان يجتهد فى الفهم من الاستاد بالتّأمّل و التّفكّر و كثره

التّكرار فانّه اذا قلّ السّبق و كثرت التّكرار و التّأمّل يدرك و يفهم.

و قيل:

حفظ حرفين خير من سماع ورقين.

فاذا تهاون فى الفهم و لم يجتهد مرّه او مرّتين يعتاد ذلك فى الفهم،

فلا يفهم الكلام اليسير فينبغى ان لا يتهاون فى الفهم بل يجتهد و يدعو اللّه تعالى

و يتضرّع اليه، فانّه يجيب من دعاه و لا يخيّب من رجاه.

ترجمه:

ترتیب قرائت دروس

شایسته است طالب علم ابتداء به درسی شروع کند که بفهمش نزدیکتر باشد

و اساتید نیز برای مبتدی متون کوتاه و کم را که بفهم متعلّمین اقرب و نزدیک تر است

بر گزینند.

سزاوار است بعد از اینکه درس را ضبط و حفظ نمود آنرا اعاده نماید و

این امر را بحدّ کثرت و وفور برساند چیزی را که نفهمیده ننویسد چون موجب خستگی طبع

بوده و فطانت و زیرکی را از بین میبرد و اوقات را ضایع و تباه میسازد.

شایسته است در فهمیدن درس از استاد جهد و کوشش کرده

ص : ۲۶

و در این راه از تأمّل و تفکّر غفلت نورزد آنرا زیاد تکرار نماید چه

آنکه درس وقت کم بود و تکرارش زیاد و تأمّل در آن فراوان قطعا درس درک شده و

فهمیده میشود.

گفته شده:

حفظ نمودن دو حرف از شنیدن دو ورق مطالب بهتر است.

بنابراین وقتی در فهم مطالب سستی از خود نشان داد و سعی در تکرار آن

به یک یا دو بار ننمود و این معنا در فهم و ادراکش عادت شده و در نتیجه کلام و سخن

کوتاه و کم را نمی فهمد لذا شایسته است از هرگونه سستی در فهم مطالب و مسائل

احتراز کرده و در قبال آن اجتهاد و سعی در فراگرفتن آنها بکند و همراه سعی و کوشش

از خداوند متعال قوّه فهم و ادراک نیز خواسته و بدرگاهش تضرّع و زاری نماید چه

آنکه حضرتش جلّ و علا کسی را که او را بخواند اجابت کرده و امیدش را قطع نمیکند.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من المطارحه و المناظره، فینبغی ان یکون

بالانصاف و التّأنّی و التّأمّل فیحترز عن الشّغب و الغضب، فانّ المناظره و

المذاکره مشاوره، انّما یکون لاستخراج الصّواب و ذلک انّما یحصل بالتّأمّل و

الانصاف و لا یحصل بالغضب و الشّغب.

و فایده المطارحه و المناظره اقوی من فایده مجرّد التّکرار، لانّ فیه

تکرارا مع زیاده.

قیل:

مطارحه ساعه خیر من تکرار شهر لکن اذا کان منصفا سلیم الطّبع.

و ایّاک و المناظره مع غیر مستقیم الطّبع، فانّ الطّبیعه مسترقّه و

الاخلاق متعدّیه و المجاوره مؤثّره.

و ینبغی لطالب العلم ان یکون متأمّلا فی جمیع الاوقات فی دقائق

العلوم و یعتاد ذلک، فانّما یدرک الدّقائق بالتّأمّل و لهذا قیل:

تأمّل، تدرک.

ترجمه:

بر طالب علم لازم است که مجلس مباحثه و مناظره داشته باشد و شایسته

است در این مجلس از طریق انصاف و آرامش و تأمّل خارج نشود، از خصومت و اعمال غضب

دوری نماید چه آنکه مناظره و مذاکره خود نوعی مشاورت و تبادل افکار بوده که جهت

استخراج مطالب حقّه و رسیدن به صواب صورت میگیرد و بدون تردید این غرض با تأمّل و

اعمال انصاف حاصل شده و ابدا از طریق غضب و طرح منازعه و خصومت بدست نمی آید.

باید دانست که فایده و نفع مباحثه و مناظره از فایده صرف تکرار

شدیدتر و قوی تر است چه آنکه در آن هم تکرار درس بوده و هم امری زائد بر آن.

در این باره گفته شده:

یک ساعت مباحثه داشتن از تکرار یک ماه بهتر است مشروط باینکه شخص

منصف و دارای طبعی سالم باشد.

الحذر از مباحثه با کسیکه سلیقه و طبعی غیر مستقیم دارد چه آنکه

طبیعت بشری رقیق و لطیف بوده و قابلیّتش برای اثر و پذیرش خصلت ها در حدّ کمال است

و از طرفی دیگر اخلاق متعدّی و مسری بوده و مجاورت با اشخاص کاملا مؤثّر است.

شایسته است که طالب علم در تمام اوقات خود را به تأمّل و دقّت در

دقائق علوم و مطالب باریک و ظریف علمی وادار کند و نفس خویش را بآن عادت دهد چه

آنکه دقائق علوم به تأمّل نمودن و امعان نظر درک میشود و ازاینرو است که گفته اند:

دقّت نما تا درک کنی.

متن:

و لا بدّ من التّأمّل قبل الکلام حتّی یکون صوابا، فانّ الکلام

کالسّهم، فلا بدّ من تقدیمه بالتّأمّل قبل الکلام حتّی یکون ذکره مصیبا فی اصول

الفقه.

و هذا اصل کبیر و هو ان یکون کلام الفقیه المناظر بالتّأمّل.

و یکون مستفیدا فی جمیع الاحوال و الاوقات و عن جمیع الاشخاص.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم:

الحکمه ضالّه المؤمن اینما وجدها اخذها.

و قیل:

خذ ما صفی ودع ما کدر.

و لیس لصحیح البدن و العقل عذر فی ترک العلم.

ترجمه:

لازمست پیش از سخن گفتن تأمّل و فکر نموده تا کلامش صواب باشد چه

آنکه سخن همچون تیر است پس چاره ای نیست از تقدیم تأمّل و فکر پیش از آن تا ذکرش

در اصول فقه بصواب برسد و این قاعده و اصل بزرگی میباشد که عبارتست از اینکه کلام

فقیه برای شخص ناظر از روی تأمّل و فکر باشد.

و شایسته است که طالب علم در جمیع احوال و تمام اوقات

ص : ۲۹

مستفید بوده و از تمام اشخاص بهره ببرد.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

حکمت گمشده مؤمن بوده هرکجا که آنرا بیابد برمیدارد.

و گفته شده:

آنچه صاف و از آلوده گیها منزّه است بگیر و آنچه کدر و تیره است

واگذار.

و کسیکه دارای بدن و عقل سالمی است در ترک علم و دانش معذور نمیباشد.

متن:

و للمتعلّم ان یشتغل بالشّکر باللّسان و الارکان بان یری الفهم و

العلم من اللّه تعالی و یراعی الفقراء بالمال و غیره و یطلب من اللّه تعالی

التّوفیق و الهدایه، فانّ اللّه تعالی هاد لمن استهداه به.

و من یتوکّل علی اللّه فهو حسبه انّ اللّه بالغ امره قد جعل اللّه

لکلّ شیئ قدرا.

و ینبغی لطالب العلم ان یکون ذا همّه عالیه لا یطمع فی اموال النّاس.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله:

ایّاک و الطّمع، فانّه فقر حاضر، فلا ینجل بما عنده من المال، بل

ینفق علی نفسه و علی غیره.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله:

النّاس کلّهم فی الفقر مخافه للفقر.

و کان فی الزّمان الاوّل یتعلّمون الحرفه، ثمّ یتعلّمون العلم حتّی

لا يطمعون فى اموال النّاس.

ص : ۳۰

و فی الحکمه:

من استغنی بمال النّاس افتقر و العالم اذا کان طامعا لا یبقی له حرفه العلم و لا یقول بالحقّ.

ترجمه:

بر متعلّم و فراگیرنده دانش است که زبان و اعضاء و جوارحش را به شکرگذاری حقتعالی مشغول نماید و مقصود از شکر اینست که فهم و دانش را از جانب حقتعالی دیده و نیازمندان را با مال و غیر آن مورد ملاطفت و رعایت خویش قرار دهد و پیوسته از حضرتش فراهم آمدن اسباب و هدایت را بخواهد چه آنکه باریتعالی هرکسی را که از وی طلب هدایت کند رهنمائی فرماید.

چنانچه خود در قرآن عزیز میفرماید:

کسیکه بر خدا توکّل کند پس او کفایتش کند او است که امرش بر تمام ماسوی نافذ میباشد، برای هرچیز اندازه و مقداری مقرّر فرموده است.

سزاوار است که طالب علم دارای همّتی بلند بوده و هرگز در اموال و ثروت مردم طمع و چشم داشتی نداشته باشد.

حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

الحذر از طمع، چه آنکه آن فقری است فعلی، پس طالب علم بخل نکرده و آنچه نزدش از مال است بر خود و دیگران انفاق کند.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

تمام مردم بجهت ترس از فقر در نداری و بی چیزی زندگی میکنند.

در زمانهای پیش ابتداء حرفه و صنعتی را می آموخته پس از

آن به یاد گرفتن علم میپرداختند تا بدینوسیله در اندوخته های مردم چشم داشتی نداشته باشند.

و در کلام حکمت آمیز آمده:

کسیکه به مال مردم غناء بطلبد فقیر میگردد و عالم وقتی طمع در مال دیگران داشت برایش علمی باقی نمیماند و هرگز بحقّ تکلّم نمیکند.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یعدّ نفسه و یقدّر تقدیرا فی التّکرار، فانّه لا یستقرّ قلبه حتّی لا یبلغ ذلک المبلغ.

و ینبغی ان یکرّر سبق الامس خمس مرّات و سبق الیوم الّذیّ قبل الامس اربع مرّات و سبق الّذی قبله ثلاثا و الّذیّ قبله اثنان و الّذیّ قبله واحدا فهذا ادعی و اقرب الی الحفظ و التّکرار.

فینبغی ان لا یعتاد المخافه فی التّکرار، لانّ الدّرس و التّکرار لا بدّ ان یکون بقوّه و نشاط و لا یجتهد جهدا یجهد نفسه لئلّا ینقطع عن التّکرار، فخیر الامور اوسطها و لا بدّ له من المداومه فی العلم من اوّل التّحصیل الی آخره.

ترجمه:

سزاوار است طالب علم خود را آماده و مهیّا نموده و در تکرار مقداری را معیّن و تقدیر نماید چه آنکه قلب او آرام نخواهد گرفت مگر آنکه بآن مبلغ و مقدار برسد.

و شایسته است درس روز قبل را پنج بار و درس روزی که پیش از آنست چهار مرتبه و درس قبل از آنرا سه و آنچه پیش از آنست دو و درس جلوتر از آنرا یک بار

مرور و تکرار نماید چه آنکه این امر به

ص : ۳۲

حفظ مطلب نزدیکتر و اثرش در آن بیشتر است.

سزاوار است در مقام تکرار خفّت و سستی را شعار خود نکند چه آنکه درس

و تکرارش هردو می باید با نیرو و نشاط باشد، سعی کند که خود را خسته و کوفته نسازد

تا از تکرار بازبماند چه آنکه بهترین امور حدّ وسط آنها میباشد.

لازمست طالب علم از ابتداء تحصیل تا پایانش مداومت در علم و دانش

داشته باشد.

ص : ۳۳

فصل ششم: در بیان توکل

متن:

الفصل السّادس فی التّوکّل

لا بدّ لطالب العلم من التّوکّل و لا یهمّ لامر الرّزق و لا یشغل

قلبه بذلک و یصبر، لانّ طلب العلم امر عظیم و فی طلب تحصیله اجر جزیل و هو افضل من

القرائه عند اکثر العلماء فمن صبر علی ذلک فقد وجد لذّه تفوق سایر لذّات الدّنیا و

لهذا کان محمّد بن الحسن الطّوسی (ره) اذا اسهر اللّیالی و حلّ له مشکلات یقول:

این ابناء الملوک من هذه اللّذّه.

و ینبغی ان لا یشغل بشیئ و لا یعرض عن الفقه و الحدیث و التّفسیر و

القرآن.

ترجمه:

فصل ششم: در بیان توکّل

برای طالب علم لازمست که خود را بصفت حسنه توکّل آراسته و همّتش را

برای امر رزق و روزی صرف نکرده و دلش را برای

این امر مشغول نکرده بلکه در این رابطه صابر و شکیبا باشد چه آنکه

طلب دانش امر بزرگی است و در طلب آن اجر فراوانی میباشد و از نظر اکثر ارباب علم

طلب دانش افضل و برتر است از قرائت و خواندن آن لذا کسی که در تحصیل آن صابر باشد

پس لذّتی می یابد فوق تمام لذّات دنیا ازاینرو بود که مرحوم شیخ اجلّ محمّد بن حسن

طوسی معروف به شیخ طائفه امامیّه قدّس سرّه وقتی شبها را بی خوابی میکشید و در حلّ

مشکلات علوم صبر بخرج میداد تا برایش گره گشاده میگشت میفرمود:

فرزندان سلاطین کجا هستند تا لذّت علم را که من می چشم بچشند.

شایسته است طالب علم خود را بشیئ مشغول و سرگرم نکند و از فقه و حدیث

و تفسیر و قرآن اعراض ننماید.

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

متن:

الفصل السّابع فی وقت التّحصیل

قیل: وقت التّعلّم من المهد الی اللّحد.

و افضل اوقاته شرع الشّباب و وقت السّحر و مابین العشائین.

و ینبغی ان یستغرق جمیع اوقاته، فاذا ملّ من علم یشتغل بعلم آخر.

و کان محمّد بن الحسن لا ینام اللّیل و کان یضع عنده دفاتر اذا ملّ

من نوع ینظر الی نوع آخر و کان یضع عنده الماء و یزیل نومه بالماء و کان یقول:

النّوم من الحراره.

ترجمه:

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

چنین گفته شده: وقت تعلّم و فراگیری دانش از گهواره تا گور میباشد.

و برترین اوقاتش ایّام جوانی و هنگام سحر و بین عشائین (زمان بین

مغرب و عشاء) میباشد.

و شایسته است که طالب علم تمام وقتش را مستغرق در تحصیل علم نماید،

پس وقتی از علمی ملول و دلتنگ گردید به دانش دیگر خود را سرگرم کند.

در احوالات مرحوم شیخ الطّائفه محمّد بن حسن طوسی آمده که ایشان شب

را نخوابیده و نزدشان دفاتر و کتبی می نهادند و وقتی از یک نوع دانش خسته و دلتنگ

می شدند به نوع دیگرش نظر می افکندند و پیوسته در کنارش آبی بود که خواب را با آب

از خود دور میساخت و میفرمود: خواب از حرارت ناشی میشود.

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

متن:

الفصل الثّامن فی الشّفقّه و النّصیحه

ینبغی ان یکون صاحب العلم مشفقا، ناصحا، فالحسد یضرّ و لا ینفع، بل

یشغله نیّه تحصیل الکمال و ینبغی ان یکون همّه المعلّم ان یصیر المتعلّم فی قرنه

عالما و یشفق علی تلامذته بحیث فاق علی علماء العالم.

و ینبغی لطالب العلم ان لا ینازع احدا و لا یخاصمه، لانّه یضیع

الاوقات، فالمحسن سیجزی باحسانه و المسئ سیکفیه مساویه.

قیل:

علیک ان تشتغل بمصالح نفسک لا بقهر عدوّک، فاذا اقمت بمصالح نفسک

تضمّن ذلک قهر عدوّک ایّاک و المعادات فانّها تفضحک و تضیّع اوقاتک و علیک

بالتّأمّل لا سیّما من السّفهاء و ایّاک ان تظنّ بالمؤمن سوء، فانّه منشاء العداوه

و لا یحلّ ذلک لقوله علیه السّلام:

ظنّوا بالمؤمنین خیرا.

و انّما ینشاء ذلک من حیث النّفس.

ترجمه:

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

شایسته و سزاوار است صاحب علم مهربان، ناصح و پنددهنده بوده و از حسد و رشگ بردن برحذر باشد چه آنکه حسد مضرّ بوده و نفعی ندارد بلکه وجود چنین صفت ذمیمه ای صاحب دانش و طالب علم را از نیّت تحصیل کمال بازمیدارد.

و سزاوار است اینکه همّت استاد و معلّم این باشد که متعلّم و شاگرد را در بین اقران و امثالش عالم برجسته و دانشمندی فرزانه گرداند.

و نیز از وظایف معلّم اینستکه بر شاگردان خود دلسوز و مهربان باشد بطوریکه ایشان را بنوع و نحوی تربیت کند که بر دانشمندان عالم برتر گردند.

و شایسته و سزاوار است که اهل علم و طالب دانش با احدی در مقام منازعه و مخاصمه برنیاید زیرا این امر اوقات شریف را تباه و تضییع میکند و در قبال آن محسن بزودی بواسطه احسانش مأجور واقع شده و مسئ و بدرفتار عنقریب گرفتار زشتی اعمال و رفتارش خواهد شد.

چنین گفته شده:

بر تو است که در راه اصلاح نفس خود کوشا بوده و از قهر و غلبه بر دشمنت اجتناب و دوری نمائی چه آنکه وقتی به تربیت نفس و اصلاح آن قیام نمودی بر دشمنت نیز قاهر و غالب خواهی آمد.

الحذر از اعمال دشمنی چه آنکه آن تو را مفتضح و رسوا کرده

و اوقات گرانبهایت را تباه میسازد و بر تو است که تأمّل و حالت

احتیاط داشته باشی مخصوصا از اشخاص نادان و سفیه و الحذر از سوء ظنّ بردن به اهل

ایمان چه آنکه این امر منشاء و سبب عداوت ها و دشمنی ها میباشد و از حیث شرع نیز

حلال و جایز نیست چه آنکه معصوم علیه السّلام فرمودند:

بمؤمنین گمان نیک برید.

و این حالت بدبینی و سوء ظنّ صرفا از جانب نفس و ناشی از آن میباشد.

ص : ۴۰

فصل نهم: در بیان استفاده

متن:

الفصل التّاسع فی الاستفاده

ینبغی لطالب العلم ان یکون مستفیدا فی کلّ وقت حتّی یحصل له الفضل.

و طریق الاستفاده ان یکون معه فی کلّ وقت محبره حتّی یکتب ما یسمع من الفوائد.

قیل:

ما حفظ فرّ و ما کتب قرّ.

قیل:

العلم ما یؤخذ من افواه الرّجال لأنّهم یحفظون احسن ما یسمعون و یقولون احسن ما یحفظون.

و وصیّ شخص لابنه بان یحفظ کلّ یوم شقصا من العلم، فانّه یسیر و عن قریب یصیر کثیرا.

فالعلم کثیر و العمر قصیر، فینبغی ان لا یضیع الطّالب له الاوقات و السّاعات و یغتنم اللّیالی و الخلوات.

ص : ۴۱

قیل:

اللّیل طویل، فلا تقصره بمنامک و النّهار مضیئ، فلا تکدّره بآثامک.

ترجمه:

فصل نهم: در بیان استفاده

سزاوار است طالب علم در تمام اوقات در مقام استفاده باشد تا برایش

فضل و کمال حاصل شود.

و طریق و راه استفاده اینستکه پیوسته با وی دواتی بوده تا آنچه از

فوائد و مطالب ارزنده را می شنود بنویسد.

گفته شده:

آنچه حفظ میشود فراموش شده و آنچه نوشته میگردد ثابت و مستقرّ

میماند.

و نیز گفته اند:

دانش آنستکه از دهان بزرگان گرفته شود چه آنکه ایشان بهترین کلماتی

را که می شنوند حفظ کرده و نیکوترین محفوظات خود را بازگو میکنند.

گفته اند شخصی فرزندش را چنین سفارش نمود که هرروز پاره و قسمتی از

علم را فرابگیر، چه آنکه آن کم و ناچیز است ولی بزودی این اندک بسیار و فراوان

میگردد.

دانش و علم بسیار و فراوان است و در مقابلش عمر و وقت کوتاه، پس

شایسته است طالب علم وقت و ساعات خود را تباه نکرده

و شبها را مغتنم شمرده و از خلوات استفاده و بهره بردارد.

گفته اند:

شب طولانی است پس با خوابیدن آنرا کوتاهش مکن و روز نورانی بوده پس با نافرمانی ها و گناهانت مکدّر و تیره اش منما.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یغتنم الشّیوخ و یستفید منهم و لا یتحسّر لکلّ مافات، بل یغتنم ما حصل له فی الحال و الاستقبال من تحمیل المشاقّ و المذلّه فی طلب العلم و التّملّق مذموم الّا فی طلب العلم، فانّه لا بدّ له من التّملّق للاستاد و الشّرکاء و غیرهم للاستفاده.

و قیل:

العلم عزّ لا ذلّ فیه و لا یدرک الّا بذلّ لا عزّ فیه.

ترجمه:

و برای طالب علم شایسته و سزاوار است که اساتید و بزرگان علم را در نظر داشته و وجودشان را مغتنم شمرده و از ایشان بهره ببرد و بر اوقات از دست رفته حسرت نخورده بلکه برای آنچه از زمان حال و آینده باقیمانده ارزش قائل شده و سعی کند آنها از دستش بیهوده نروند لذا خود را به تحمیل مشاقّ وادار نموده و در راه طلب علم هرذلّت و خواری را بر خود هموار نماید.

چاپلوسی و تملّق در همه امور مذموم و ناپسند است مگر در راه تحصیل علم چه آنکه طالب علم می باید از استاد و شرکاء در بحث و دیگران بمنظور استفاده از آنها تملّق نموده و چاپلوسی کند.

گفته شده:

علم عزیز و شریف بوده ذلّت و خواری در آن نیست ولی درک نمیشود مگر به

خواری که عزّت در آن نمیباشد.

ص : ۴۳

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم

متن:

الفصل العاشرفی الورع فی التّعلّم

روی حدیث فی هذا الباب عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله انّه

قال:

من لم یتورّع فی تعلّمه ابتلاه اللّه باحد من ثلاثه اشیاء:

امّا ان یمیته فی شبابه او یوقع فی الرّساتیق او یبتلیه بخدمه

السّلطان فمهما کان طالب العلم اورع کان علمه انفع و التّعلیم له ایسر و فوائده

اکثر.

و من الورع ان یحترز عن الشّبع و کثره الکلام فیما لا ینتفع و ان

یحترز عن اکل طعام السّوق ان امکن لانّ طعام السّوق اقرب الی النّجاسه و الخباثه و

ابعد عن ذکر اللّه تعالی و اقرب الی الغفله، لانّ ابصار الفقراء تقع علیه و لا

یقدرون علی الشّراء فیتأذّون بذلک، فیذهب برکته.

ترجمه:

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلّم

حدیث و روایتی در این باب از وجود مبارک حضرت رسول

اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نقل شده و آن اینستکه فرمودند:

کسیکه در فراگرفتن علمش ورع و تقوی نداشته باشد حقتعالی وی را بیکی

از سه چیز مبتلاء میفرماید:

یا او را جوانمرگ میکند یا در ده قرارش داده و عالم اهل ده میگردد و

یا بخدمت سلطان مبتلایش میکند.

پس طالب علم هرچه تقوایش بیشتر بوده دانشش پربارتر و تعلیم برایش

سهل تر و فوائد آن بیشتر است.

و از تقوی و ورع است اینکه از سیر کردن شکم و تکلّم زیاد در اموری که

نفعی ندارد اجتناب کرده و از تناول غذای بازار حتّی الامکان بپرهیزد چه آنکه طعام

بازار به نجاست نزدیکتر و خباثتش بیشتر بوده و انسان را از یاد خدا دور و به غفلت

نزدیک مینماید زیرا چشمان فقراء بآن دوخته شده و قادر بر خریدنش نبوده و ازاینرو

در اذیّت قرار گرفته اند و در نتیجه برکت از آن رفته است.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یحترز عن الغیبه و عن مجالسه مکثار الکلام،

فانّ من یکثر الکلام یسرق عمرک و یضیّع اوقاتک.

و من الورع ان یجتنب من اهل الفساد و التّعطیل، فانّ المجالسه مؤثّره

لا محاله و ان یجلس مستقبل القبله فی حال التّکرار و المطالعه و یکون مستنّا بسنّه

النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله.

و یغتنم دعوه اهل الخیر عن دعوه الظّلوم و یطلب الهمّه و استدعی من

الصّالحین.

ترجمه:

سزاوار است طالب دانش از غیبت و پشت سرگوئی دیگران اجتناب کرده و از

هم نشینی با کسیکه سخن بسیار میگوید

ص : ۴۵

پرهیز نماید چه آنکه شخص پرسخن عمر تو را به یغما برده و اوقاتت را

تباه میکند.

و از تقوی است اینکه از اهل فساد و کساد اجتناب نماید چه آنکه مجالست

و هم نشینی مؤثّر بوده و قطعا حالات و صفات هم نشین در شخص اثر میگذارد.

سزاوار است در حال بحث و مطالعه رو بقبله بنشیند، پیوسته مؤدّب بآداب

نبویّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم باشد.

دعوت اهل خیر را مغتنم شمرده و اجابت کرده و از دعوت ظالم و ستمکار

حذر نماید، طالب همّت بوده و از صالحین استدعای دعاء داشته باشد.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان لا یهاون برعایه الآداب و السّنن، فانّ من

تهاون بالآداب حرم السّنن و من تهاون بالسّنن حرم الفرائض و من تهاون بالفرائض حرم

الآخره.

و قال بعضهم: هذا حدیث من رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم.

و ینبغی ان یکثر الصّلوه و یصلّی صلوه الخاشعین، فانّ ذلك عون من

التّحصیل و التّعلّم.

و ینبغی ان یستصحب دفترا علی کلّ حال یطالعه.

قیل:

من لم یکن الدّفتر فی کمّه لم یثبت الحکمه فی قلبه.

و ینبغی ان یکون فی الدّفتر بیاض و یستصحب المحبره لیکتب ما یسمعه

کما قال النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم لهلال بن یسار حین

قرّر له العلم و الحكمه:

هل معك محبره؟

ترجمه:

برای طالب علم سزاوار است که در رعایت آداب اخلاق و سنن سستی نورزد

چه آنکه کسیکه به آداب سستی نشان دهد از سنن و مستحبّات محروم شده و آنکس که در

انجام مستحبّات سهل انگار باشد از انجام واجبات بازمانده و شخصی که بفرائض و

واجبات اهمال و سستی نشان دهد از آخرت و عوائد آن محروم است.

بعضی از بزرگان فرموده اند:

عبارتی که نقل شد حدیثی است منقول از حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه

و آله و سلّم: سزاوار است طالب علم نماز بسیار بخواند، نمازش، نماز خاشعین بوده و

در آن بجز خدا فکر ننماید و خود را در پیشگاه مقدّسش ذلیل و خرد بداند چه آنکه این

امر خود برای تحصیل و فراگرفتن علم کمک و یاور میباشد.

بسیار بجا است که طالب دانش همراهش همیشه دفتری بوده که آنرا مطالعه

نماید.

گفته اند:

کسیکه در آستینش دفتری نباشد هرگز حکمت در دلش قرار نمیگیرد.

سزاوار است در دفتر قسمتی سفید گذارده و همراه خود قلمی بردارد تا

آنچه را که می شنود در آنجا بنویسد چنانچه پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و

سلّم وقتی برای هلال بن یسار علم و حکمت را تقریر مینمودند فرمودند:

آیا با تو قلمی میباشد؟

فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد

اشاره

متن:

الفصل الحادی عشرفی ما یورث الحفظ و النّسیان

و اقوی اسباب الحفظ الجدّ و المواظبه و تقلیل الغذاء و صلوه اللّیل

بالخضوع و الخشوع و قراءه القرآن من اسباب الحفظ.

قیل:

لیس شیئ ازید فی الحفظ من قراءه القرآن لا سیّما آیه الکرسی و قراءه

القرآن نظرا افضل لقوله صلّی اللّه علیه و آله و سلّم:

افضل اعمال امّتی قراءه القرآن نظرا.

و بکثره الصّلواه علی النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و المسواک و شرب

العسل و اکل الکندر مع السّکّر و اکل احدی و عشرین زبیبه حمراء فی کلّ یوم.

و کلّ ذلک یورث الحفظ و یشفی من کثره الامراض و الاسقام.

و کلّ ما یقلّل البلغم و الرّطوبات یزید فی الحفظ.

ترجمه:

فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد

مؤثّرترین اسباب و موجبات حفظ سعی نمودن و مواظبت داشتن و مراقب بودن

میباشد.

کم تناول کردن غذا و بجای آوردن نماز شب با حالت خضوع و خشوع و

خواندن قرآن مجید نیز از موجبات حفظ و ماندن مطالب میباشد.

گفته شده:

چیزی مؤثّرتر در حفظ مسائل و مطالب از قرائت قرآن نبوده مخصوصا خواندن

آیه الکرسی.

البتّه افضل و بهتر آنستکه قرآن را از رو خوانده و در وقت تلاوت

بخطوطش نظر نمایند چه آنکه پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

بالاترین و والاترین اعمال امّت من اینستکه قرآن را با نظر نمودن بآن

بخوانند.

و نیز از اسباب حفظ اینستکه بسیار بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و

آله و سلّم صلوات بفرستند.

و از جمله اسباب حفظ زدن مسواک و خوردن عسل و تناول نمودن کندر با

شکر و خوردن بیست و یکدانه کشمش قرمز در هرروز میباشد.

و آنچه تا باینجا ذکر شد موجب پیدایش قوّه حفظ و شفاء از امراض و کثرت

اسقام میباشد و هرچه باعث کاهش بلغم و رطوبات گردد حفظ را می افزاید.

اسباب پیدایش نسیان و فراموشی

متن:

و ممّا یورث النّسیان:

کثره المعاصی و کثره الهموم و الاحزان فی امور الدّنیا و کثره

الاشتغال و العلایق و قد ذکرنا، لانّه لا ینبغی للعاقل ان یهمّ لامور الدّنیا

لانّه یضرّ و لا ینفع و هموم الدّنیا لا یخلو عن الظّلمه فی القلب و هموم الآخره

لا یخلو من النّور فی القلب و تحصیل العلوم ینفی الهمّ و الحزن و اکل الکربزه و

التّفاح الحامض و نظر المصلوب و قراءه لوح القبور و العبور بین اقطار الجمل و

القاء القمّل الحیّ علی الارض و الحجامه علی نقره الفقار کلّ ذلک یورث النّسیان.

ترجمه:

اسباب پیدایش نسیان و فراموشی

از اموری که باعث فراموشی میشود:

کثرت گناه و ازدیاد اندوه و فراوانی حزن در امور دنیا و سرگرمی زیاد

و دلبستگی به آنرا میتوان برشمرد چنانچه قبلا بآن اشاره گردید.

شخص عاقل و فهمیده نمی باید برای امور و جهات دنیوی مهموم و غمناک

گردد چه آنکه علائق و امتعه دنیوی مضرّ بوده و نافع نیستند، هموم دنیا از ایجاد

ظلمت و تیره گی در دل خالی نبوده و در مقابلش اندوه و حزن برای آخرت از اضائه نور

در قلب مجرّد نمیباشد.

تحصل علوم و فراگرفتن دانش حزن و غم را می زداید.

خوردن خیار چنبر و سیب ترش و دیدن دار آویخته و خواندن سنگ قبرها و

گذشتن از بین قطار شتران و انداختن شپش زنده بر زمین و حجامت بر گودی ستون فقرات

جملگی از اسباب پیدایش فراموشی میباشند.

ص : ۵۰

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی وزیادی آن و آنچه باعث زیادی عمر و کوتاهی آن می شود

متن:

الفصل الثّانی عشرفیما یجلب الرّزق و یزیده و ما یزید العمر و ینقص

ثمّ لا بدّ لطالب العلم من القوّه و الصّحّه لیکون فارغ البال فی طلب

العلم و فی کلّ ذک صنّفوا کتابا فاوردت البعض هیهنا علی الاختصار.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله:

لا یزید فی الرّزق و لا یردّ القدر الّا الدّعاء و لا یزید العمر

الّا البرّ.

فیثبت بهذا الحدیث انّ ارتکاب الذّئب یسبّب حرمان الرّزق خصوصا الکذب

یورث الفقر.

و قد ورد حدیث خاصّ بذلک و کذا الصّحبه جنبا یمنع الرّزق و کذا کثره

النّوم ثمّ النّوم عریانا و البول عریانا و الاکل جنبا و التّهاون بسقاط المائده و

حرق قشر البصل و الثّوم و کنس البیت فی اللّیل و ترک القمامه فی البیت و المشی

قدّام المشایخ و نداء الابوین

باسمهما و الخلال بکلّ خشبه و غسل الیدین بالتّراب و الطّین و الجلوس

علی العتبه و الاتّکاء علی احد زوجی الباب و التّوضوء فی المبرز و خیاطه الثّوب

علی البدن و تجفیف الوجه بالثّوب و ترک بیت العنکبوت فی البیت و التّهاون بالصّلوه

و اسراع الخروج من المسجد و الابتکار فی الذّهاب الی السّوق و الابطاء فی الرّجوع

منع و شراء کسرات الخبز من الفقراء السّائلین و رعاء الشّر علی الوالدین و ترک

تطهیر الاوانی و اطفاء السّراج بالنّفس.

کلّ ذلک یورث الفقر، عرف ذلک بالآثار.

ترجمه:

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی وزیادی آن و آنچه باعث

زیادی عمر و کوتاهی آن می شود

شایسته و سزاوار است که طالب علم دارای قوّت و صحّت مزاج بوده تا در

طلب علم فارغ البال بوده و با آرامش خاطر در مقام تحصیل برآید و در هریک از این

امور حضرات کتابی تصنیف و تألیف فرموده اند.

و من در اینجا قصدم اینستکه برخی از آنچه در این امور نوشته شده بطور

اختصار بیاورم:

پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

رزق و روزی را زیاد نکرده و بمقدارش نمی افزاید مگر دعاء

و موجب زیادی و طولانی عمر نمیشود مگر احسان نمودن.

پس باین حدیث شریف ثابت میشود که ارتکاب گناه موجب محروم ماندن از روزی میشود مخصوصا دروغ که باعث فقر و تنگدستی میشود.

و حدیث خاصّی در این زمینه وارد شده است.

و نیز مصاحبت با جنب مانع از رزق میشود و همچنین امور ذیل جملگی سبب تنگدستی و فقر میباشند:

خواب زیادی، لخت و عریان خوابیدن، عریان بول نمودن، در حال جنابت غذا خوردن، سهل انگاری نمودن درباره ته مانده سفره، آتش زدن پوست پیاز و سیر، جاروب زدن اطاق در شب، واگذاردن کثافت و زباله در خانه، جلو پیران راه رفتن، پدر و مادر را با اسمشان خواندن، با هرچوبی خلال نمودن دندانها، شستن دستها با خاک و گل، نشستن بر دربگاه و آستانه، تکیه دادن بر یکی از دو لنگه درب، وضوء گرفتن در بیت الخلاء، دوختن جامه در حالیکه به تن میباشد، خشک کردن صورت با جامه، واگذاردن لانه عنکبوت در خانه، سهل انگاری نمودن در امر نماز، بسرعت از مسجد خارج شدن، زود به بازار رفتن و دیر مراجعت کردن از آن، خریدن خورده نان از فقرائیکه اهل سؤال هستند، بدی نمودن به پدر و مادر، آلوده گذاردن ظروف و نشستن آنها، دمیدن در چراغ و خاموش کردنش با آن.

چنانچه گفته شد تمام این امور مورث فقر و تنگدستی است که از طریق آثار و اخبار بآن اطّلاع حاصل شده است.

متن:

و کذا الکتابه بقلم معقود و الامشاط بمشط مکسور و ترک الدّعاء

للوالدين و التّعمم قاعدا و التّسرول قائما و البخل و التّقتير

ص : ۵۳

و الاسراف و الکسل و التّوانی و التّهاون فی الامور.

قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله:

استنزلوا الرّزق بالصّدقه و البکور مبارک یزید فی جمیع النّعم خصوصا

فی الرّزق و حسن الخطّ من مفاتیح الرّزق و طیب الکلام یزید فی الرّزق.

ترجمه:

و همچنین نوشتن با قلم بسته شده بجائی و نیز شانه زدن با شانه شکسته

و دعاء در حقّ پدر و مادر ننمودن، گذاردن عمّامه بر سر در حال نشستن، پوشیدن شلوار

در حال ایستاده، بخل ورزیدن، خودداری کردن از صرف مال، و اسراف نمودن و کسل بودن و

سستی نشان دادن در امور موجب فقر و مانع از روزی میباشند.

پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

با دادن صدقه روزی را جلب کنید و بامدادان برخاستن بابرکت بوده و

تمام نعمت ها خصوصا رزق و روزی را زیاد میکند و نیکو نوشتن یکی از کلیدهای روزی

بوده و خوش کلام بودن نیز روزی را زیاد مینماید.

متن:

و عن حسین بن علی علیهما الصّلوه و السّلام:

ترک الزّناء و کنس الفنا و غسل الاناء مجلبه للغناء.

و اقوی الاسباب الجالبه للرّزق الصّلوه بالتّعظیم و الخشوع و قراءه

سوره الواقعه خصوصا باللّیل و وقت العشاء و سوره یس و تبارک الّذی بیده الملک وقت

الصّبح و حضور المسجد قبل الاذان و المداومه علی الطّهاره و اداء سنّه الفجر و

الوتر فی البیت و ان لا یتکلّم بکلام اللّغو.

ترجمه:

و از مولانا حسین بن علی علیهما الصّلوه و السّلام منقول است که

فرمودند:

ترک عمل فحشاء و روفتن اطراف درب خانه و شستن ظروف غناء و ثروت را

جلب میکند.

و قوی ترین اسباب جالب روزی گذاردن نماز با حالت تعظیم و خشوع و

خواندن سوره واقعه مخصوصا در شب و زمان عشاء و قرائت سوره یس و تبارک الّذی بیده

الملک در وقت صبح و حاضر شدن بمسجد پیش از اذان و دائم با طهارت بودن و انجام

نافله صبح و خواندن نماز وتر در خانه و ترک کلام لغو و بیهوده میباشد.

متن:

قیل:

من اشتغل بما لا یعنیه یفوته ما یعنیه.

قال علی علیه الصّلوه و السّلام:

اذا تمّ العقل نقص الکلام.

و ممّا یزید فی العمر ترک الاذی و توقیر الشّیوخ و صله الرّحم و

یحترز عن قطع الاشجار الرّطبه الّا عند الضّروره و اسباغ الوضوء و حفظ الصّحّه.

و لا بدّ لطالب العلم ان یتعلّم شیئا من الطّبّ و یتبع بالآثار

الوارده فی الطّبّ الّذیّ جمعه الشّیخ الامام ابو العبّاس المستغفری فی الکتاب

المسمّی بطبّ النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و الحمد للّه ربّ العالمین.

ترجمه:

گفته شده:

کسیکه خود را به آنچه بیهوده و بی معنا است مشغول و

ص : ۵۵

سر گرم کند آنچه مورد قصد و واجد معنا است از وی فوت میشود.

حضرت امیر المؤمنین علیّ علیه السّلام فرمودند:

وقتی عقل کامل شود سخن و کلام کم میگردد.

و از اشیائیکه باعث طولانی شدن عمر میگردد اذیّت نکردن، احترام نمودن

به بزرگان، صله رحم بجای آوردن و پرهیز از بریدن درختان تازه مگر در وقت ضرورت و

شاداب وضوء گرفتن و رعایت سلامتی و حفظ الصّحّه کردن میباشد.

و می باید طالب علم مقداری از علم طبّ را آموخته و بدنبالش آثار و

اخبار وارده از حضرات معصومین علیهم السّلام را که در طبّ ایراد شده اند ملاحظه

نماید.

این روایات و اخبار را شیخ ابو العبّاس مستغفری در کتابی بنام « طبّ النّبیّ» صلّی اللّه علیه

و آله و سلّم جمع آوری فرموده است.

تمام شد کتاب « انیس الطّالبین» ترجمه « آداب المتعلّمین» در روز پنجشنبه یازدهم ماه صفر المظفّر سنه ۱۴۰۷

بدست ناتوان بنده ضعیف سیّد محمّد جواد ذهنی تهرانی نزیل قم المشرّفه از قارئین

مستدعی است که در وقت قرائت این کتاب حقیر را از دعاء خیر فراموش نفرمایند و از

خداوند متعال توفیق تمام طالبین علم و دانش را خواستارم بحقّ محمّد و آله

الطّیّبین الطّاهرین

ص : ۵۶

فهرست

ص : ۵۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹